

نگاهی به جنبش "اشغال وال استریت" و ریشه های شکل گیری آن

مقدمه

اوضاع نامناسب اقتصادی کشورهای غربی به ویژه آمریکا موجب افزایش اعتراضات به وضعیت موجود شده است. جنبش موسوم به "اشغال وال استریت"^۱ یکی از نمونه هاست که از ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱ میلادی در نیویورک آغاز شد و طی چند هفته، با پیوستن جنبش های مردمی، احزاب و اتحادیه های کارگری و انجمن های دانشجویی به جمع معترضان به وضعیت کنونی اقتصاد آمریکا، دامنه آن به بسیاری از شهرهای دیگر آمریکا از جمله شهرهای بزرگی مثل نیویورک، واشنگتن، لس آنجلس، سانفرانسیسکو، شیکاگو، یوستون، پورتلند و دورهام کشیده شد. معترضان جنبش "اشغال وال استریت" بر ضد فساد، بیکاری، فقر و نابرابری اجتماعی تظاهرات کرده اند و در واقع با شعار "ما ۹۹ درصد هستیم"^۲ مخالف تمرکز افراطی ثروت و قدرت میان یک درصد برتر جامعه هستند.

خواسته های جنبش "اشغال وال استریت"

- خواسته های اصلی جنبش اشغال وال استریت را می توان در ۷ مورد ذیل برشمرد:
- ۱- به تبانی بین دولت و شرکتهای بزرگ و بانکها پایان داده شود. دولتمردان باید منافع مردم (۹۹ درصد) را در نظر داشته باشند نه منافع ثروتمندان (۱ درصد) را.
 - ۲- وال استریت مورد تحقیق و بررسی قرارگیرد و مدیران ارشد اجرایی در قبال لطمه زدن به ثروت اقشار ضعیف جامعه که موجب نابودی میلیونها نفر شده، پاسخگو باشند.
 - ۳- قدرت ضرب سکه به خزانه داری آمریکا بازگردد و پول سالم خلق شود.
 - ۴- اندازه، آزادی عمل و قدرت بانکها محدود شود تا نتوانند به اندازه ای بزرگ شوند که در هنگام ورشکستگی، به جبران ضرر آنها از جیب مالیات دهندگان متوسل شوند.
 - ۵- به لحاظ قانونی نگاه "شخصیتی" به شرکتهای حذف شود.
 - ۶- قانون "اقدام میهن پرستانه"^۳ لغو شود، به جنگ برای مواد مخدر پایان داده شود و از آزادیهای مدنی حمایت شود.
 - ۷- به تمام جنگهای امپریالیستی پایان داده شود، تمام سربازان آمریکایی به خانه برگردند، بودجه نظامی کاهش یابد و نقش نظامی آمریکا به حمایت از سرزمین اصلی محدود شود.

نقش یک درصد جمعیت ثروتمند آمریکا در اقتصاد این کشور

همانطور که ذکر گردید "ما ۹۹ درصد هستیم" شعار اصلی جنبش موسوم به اشغال وال استریت است.

1- occupy wall street

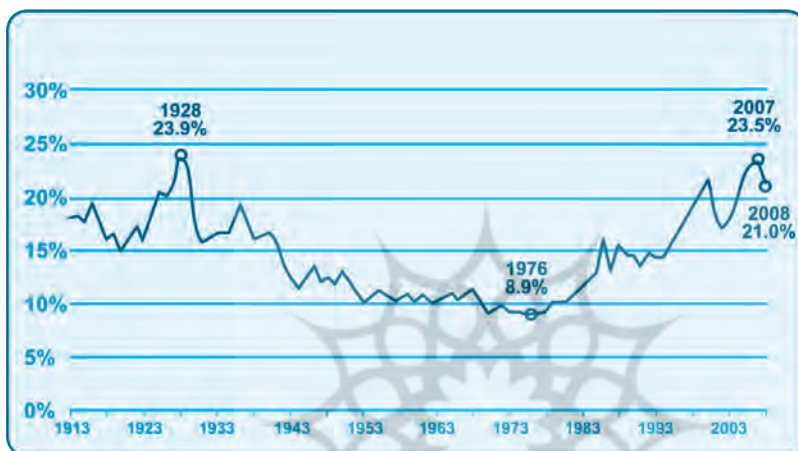
2- We Are The 99 percent

۳- توضیح این که براساس "اقدام میهن پرستانه" دولت آمریکا می تواند برای جلوگیری از خطرات امنیتی احتمالی از جمله تروریسم دست به اقدام پیشگیرانه بزند

اشاره این شعار به یک جدال اقتصادی است که بین ۹۹ درصد از آمریکایی ها با یک درصد آمریکایی های ثروتمند در جریان است. این یک درصد از آمریکایی ها ، کسانی هستند که روز به روز سهم بیشتری از ثروت ملی را برای خود می اندوزند و طبقه متوسط را متضرر می کنند. برخی از واقعیت ها در مورد یک درصد ثروتمند آمریکا به صورت زیر است :

- ۱- یک درصد از آمریکایی ها بیش از چهل درصد از داراییهای مالی را در اختیار دارند. برخی در مقابل ، هشتاد درصد آمریکایی ها تنها صاحب ۷ درصد داراییهای مالی این کشور هستند.
- ۲- یک درصد ثروتمند آمریکا ، ۲۴ درصد درآمد ملی ایالات متحده را به خود اختصاص داده اند. این در حالی است که در سال ۱۹۷۶ میلادی سهم آنها از درآمد ملی در حدود ۹ درصد بود ، ولی هم اکنون سه برابر شده و به حدود یک چهارم از درآمد ملی رسیده است.

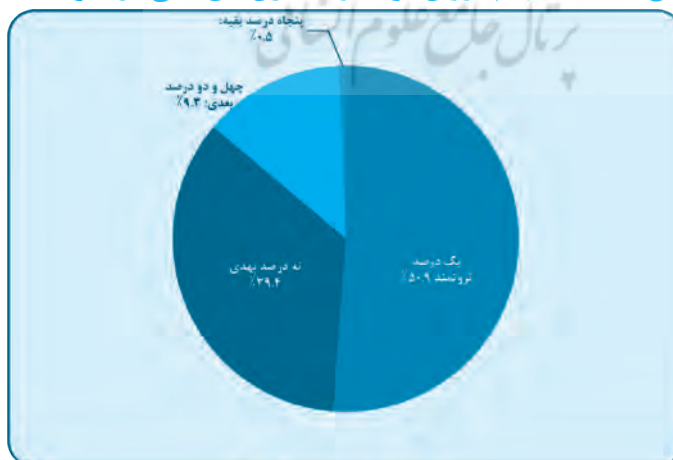
نمودار ۱- سهم ادرصد ثروتمند آمریکا از کل درآمد این کشور



Source: Thomas Piketty and Emmanuel Saez, Income Inequality in the United States, 1913-1998 Quarterly Journal of Economics, 118(1), 2003. Updated to 2008 at <http://cmlab.berkeley.edu/users/saez>

- ۳- یک درصد ثروتمند آمریکا ، نیمی از سهام ، اوراق قرضه و سرمایه جمعی کشور را در اختیار دارند. آنها در حالی بیش از نیمی از سرمایه گذاری را در آمریکا انجام داده اند که ۵۰ درصد از آمریکایی های کم درآمد ، تنها پنج درصد از سرمایه گذاری را بر عهده گرفته اند.

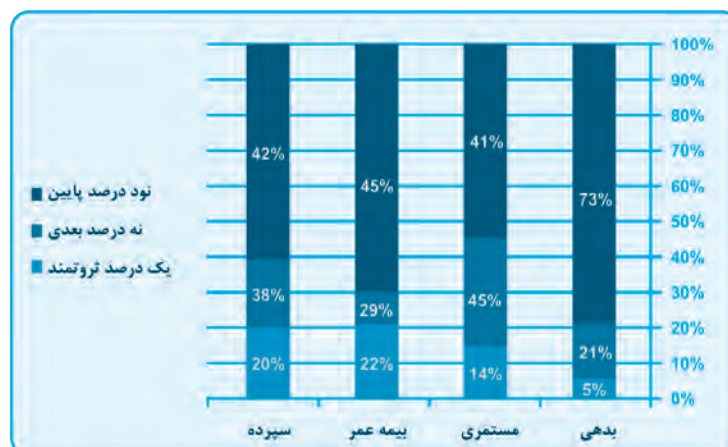
نمودار ۲- توزیع مالکیت سهام، اوراق قرضه و صندوق های مالی در آمریکا (۲۰۰۷ میلادی)



Source: <http://www.mybudget360.com>

۴- فقط پنج درصد کل بدهی های شخصی آمریکا مربوط به یک درصد ثروتمند آمریکاست. در همین حال ، ۹۰ درصد آمریکایی ها متعهد ۷۳ درصد بدهی های این کشور هستند.

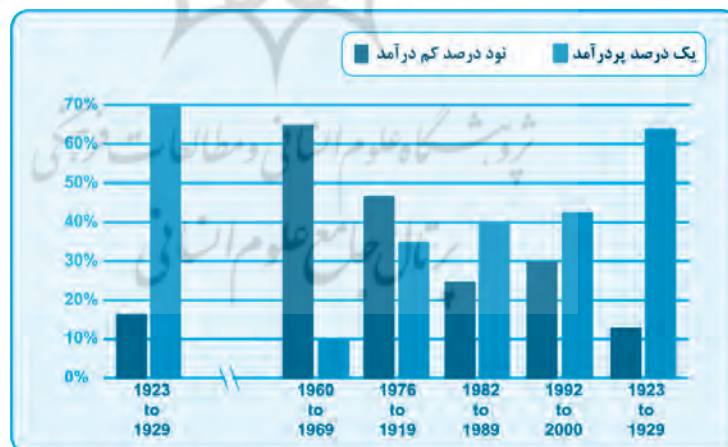
نمودار ۳- سهم گروه های مختلف درآمدی آمریکا از سپرده ها، مستمری، بیمه عمر و بدهی این کشور (۲۰۰۷ میلادی)



Source: <http://www.mybudget360.com>

۵- چنانچه در نمودار شماره ۵ دیده می شود ، از سال ۱۹۲۰ میلادی به بعد ، سهم یک درصد ثروتمند آمریکا از رشد درآمد ملی این کشور در دهه ۱۹۲۰ میلادی ۷۰ درصد بوده که تا دهه ۱۹۶۰ میلادی به حدود ۱۰ درصد کاهش یافته ولی از ۱۹۶۰ میلادی به بعد روند صعودی داشته و در حال حاضر مجدداً به ۷۰ درصد نزدیک شده است.

نمودار ۴- سهم ۱ درصد پر درآمد و ۹۰ درصد کم درآمد آمریکا از رشد درآمد ملی این کشور



Source: <http://www.cbpp.org/cms/index.cfm?fa=view&id=2908>

جمع بندی و نتیجه گیری

اقدامات دولت آمریکا برای مهار بحران مالی ۲۰۰۸ میلادی از جمله تزریق حجم عظیمی پول به اقتصاد نتوانست از پیامدهای منفی آن جلوگیری کند و در حال حاضر نرخ بیکاری در این کشور به بالای ۹ درصد افزایش یافته است. کاهش رتبه اعتباری آمریکا وعدم توافق کامل دولت وسنای آمریکا در خصوص نحوه برخورد با بحران بدهی و کسری بودجه سبب شده است تا آمریکایی ها از عملکرد اقتصادی دولت اوباما نا امید شوند. همچنین عکس العمل سیاستمداران آمریکایی در خصوص مشکلات اقتصادی موجب اعتراض وعدم رضایت مردم شد ، مردم آمریکا معتقد هستند دولت مردان تنها به منافع سرمایه داران توجه دارند. در کنار این عوامل مواردی از قبیل هزینه های کلان نظامی آمریکا در جهان و افتادن بار آن بر دوش مردم آمریکا از دیگر علل نارضایتی در این کشور می باشد.

این نارضایتی ها موجب شکل گیری گروهی موسوم به جنبش اشغال وال استریت شده است. این گروه معتقد هستند کسانی که از اقتصاد تبعیض آمیز کاپیتالیستی سود برده اند و سرمایه های هنگفت کسب کرده اند باید هزینه های بحران اقتصادی را پرداخت کنند و با تشکیل صندوقی برای حمایت از اقتصاد ملی بخشی از مشکلات اقتصادی را رفع کنند. آنها همچنین معتقدند دولت باید به جای حمایت از سرمایه داران از عموم مردم حمایت کند و سیاست های تبعیض آمیز را کنار بگذارد. جنبش اشغال وال استریت اعلام کرده است که به زیاده خواهی شرکت های بزرگ ، توقیف خانه های رهنی ، رشد بیکاری و کمک مالی دولت فدرال به بانک های ورشکسته اعتراض دارد.

آمریکا در حال حاضر از لحاظ اقتصادی یکی از بدترین دوران خود را سپری می کند بطوری که بدهی دولت این کشور به بالاترین سطح خود در سالهای اخیر رسیده و دولت اوباما برای فائق آمدن بر این مشکلات بودجه دستگاه های مختلف را کاهش داده که همین امر بر نارضایتی مردم افزوده است. در صورت عدم چاره جویی برای مشکلات کنونی ، باید در آینده نیز شاهد اعتراضات و نارضایتی های بیشتری بود. چه بسا این نارضایتی ها آثار مهم و قابل توجهی در عرصه اقتصادی و سیاسی این کشور و حتی جهان داشته باشند چرا که در سایر کشورها از جمله انگلستان، آلمان ، ایتالیا ، اسپانیا ، استرالیا و نیوزلند نیز اعتراض به نابرابری اقتصادی و نقش بانکها و موسسات مالی در ایجاد بحران اقتصادی شکل گرفته است.

منابع:

1. D. Kristof, Nisholas, "the Bankers and the Revolutionaries", the New york times October 1, 2011.
2. [http://dailybail.com/home/7-corb-demands from-the-occupy-wall-street-movement.html](http://dailybail.com/home/7-corb-demands-from-the-occupy-wall-street-movement.html).
3. <http://fa.azadnegar.com/shobeir/news/16703.html>
4. <http://rt.com/news/wall-street-protest-arrests-331>.
5. <http://www.idsp.ir/fa/pages/?cid=4294>